



## کاربرد تجربیات زنانه در الهیات فمینیستی: جسمانیت، فرهنگ و زبان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۵

مریم السادات سیاهپوش<sup>۱</sup>

زهرا جوادی<sup>۲</sup>

### چکیده

در راستای ارائه خوانشی از الهیات که معطوف به تجربه زنانه باشد، توجه الهی‌دانان به سه ساحت جلب شد. در ساحت نخست، در تاریخ فلسفه غرب همواره جسمانیت زنانه متناظر با طبیعت دانسته شده و با جلوه دادن عقلانیت به مثابه حق انحصاری مردانه، زنان از تحصیل در حوزه الهیات منع شده‌اند. الهی‌دانان فمینیست بر آن هستند که ضمن به رسمیت شناختن جسمانیت زنانه، راهی برای ورود به عرصه عقلانیت بگشایند. افزون بر این، در همین ساحت است که الهی‌دانان فمینیست بدن زنان را منبعی برای بازتاب الهیات فمینیستی دانسته و تجربیاتی را که از طریق بدن خود به دست می‌آورند به عرصه‌های گوناگون الهیاتی تعمیم داده و حتی به بازتفسیر وجه زنانه خدا پرداخته‌اند. ضمناً ایشان در این راستا دست به ارائه آیین‌های جدید دینی با هدف ایجاد فضایی معطوف به تجربیات جسمانی می‌زنند تا به رویدادهای مخصوص بدن زنان وجهی دینی ببخشند. در ساحت دوم، توجه الهی‌دانان فمینیست پس‌اساختارگرا به تکثر فرهنگی جلب شده و تأثیر فرهنگ‌های گوناگون را بر تجربیات زنانه از دین مد نظر قرار داده‌اند. در این ساحت، کوشش می‌شود تا با نظر به شخصیت‌های متون مقدس که تجربیات زنان از فرهنگ‌های غیرغربی را در بر دارند، تفسیری چندفرهنگی ارائه شود که طیف فراگیرتری از زنان را شامل شود. در ساحت سوم، در متون مقدس از یک سو زبان جنسیتی بوده و تصویری مردانه از خدا در ذهن مؤمنان ایجاد می‌کند و از سوی دیگر نگارش این متون به دست مردان عمدتاً از تجربیات زنانه غافل مانده است. پژوهش حاضر، در مقام یک پژوهش بنیادی-کاربردی، بر آن است که کاربرد تجربیات زنانه در الهیات فمینیستی به مثابه الهیاتی عملی را با نظر به سه ساحت یادشده مورد بررسی قرار دهد.

### کلیدواژه‌ها

الهیات فمینیستی، جنسیت و دین، فمینیسم دینی، مردسالاری دینی

۱. دانشجوی دکتری ادیان و عرفان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)  
(maryam.siahpoosh.1371@gmail.com)

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ادیان و عرفان، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران.  
(shadij1989@gmail.com)



## **The Use of Female Experiences in Feminist Theology: Corporality, Culture and Language**

**Maryam As-Sadat Siahpoosh<sup>1</sup>**

Reception Date: 2022/02/24

**Zahra Javadi<sup>2</sup>**

Acceptance Date: 2022/05/05

### **Abstract**

In order to present a reading of theology that focuses on the female experience, theologians' attention was drawn to three areas. In the first area, the history of Western Philosophy has always regarded female corporality as corresponding to nature and, by portraying rationality as the exclusive right of men, forbade women from studying theology. Feminist theologians seek to open the way to the realm of rationality while recognizing feminine corporality. Moreover, it is in this area that feminist theologians observe the female body as a source for the reflection of feminist theology, extending the experiences they gain through their bodies to various theological realms, and even reinterpreting the feminine aspect of God. In this regard, they also introduce new religious rituals with the aim of creating an atmosphere focused on corporality experiences in order to give a religious aspect to events specific to the female body. In the second area, poststructuralist feminist theologians pay attention to cultural pluralism and consider the impact of different cultures on female experiences of religion. Here, an attempt is made to provide a multicultural interpretation that covers a wider range of women, given the characters in the sacred texts that reflect female experiences of non-Western cultures. In the third area, on one hand, the language of sacred texts is gendered and creates a masculine image of God in the minds of believers, and on the other hand, the writing of these texts by men has largely neglected feminine experiences. The present study, as fundamental and applied research, intends to examine using of female experiences in feminist theology as a practical theology in terms of the three realms proposed.

### **Keywords**

Feminist Theology, Gender and Religion, Religious Feminism, Religious Patriarchy

- 
1. Ph.D. Student in Religions and Mysticism, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)  
(maryam.siahpoosh.1371@gmail.com)
  2. M.A. Graduate of Religions and Mysticism, Al-Zahra University, Tehran, Iran.  
(shadij1989@gmail.com)

## ۱. مقدمه

نظر به این که الهیات فمینیستی می‌کوشد تا پاسخگویی مطالبات زنانی باشد که غالباً صدای آنها نشنیده و تجربیات آنها نادیده انگاشته شده است، می‌توان آن را در بستر الهیات عملی مورد ملاحظه قرار داد. همچنین، توجه روزافزون به این حیطه الهیاتی در سال‌های اخیر در ایران کوشش مضاعفی در راستای بررسی این مسئله با نظر به فرهنگ بومی می‌طلبد. از این رو، ضروری است که با مطالعه پیشینه پژوهشی الهیات فمینیستی زمینه برای بهره‌گیری از این مطالعات فراهم آید. بدین گونه، الهی‌دانان فمینیست، که دغدغه بازسازی جایگاه زنان با نگاهی همدلانه به دین را داشته‌اند، عمدتاً با نظر به سه ساحت دست به ارائه دیدگاه‌های خود زدند، که در ادامه بررسی خواهند شد.

## ۲. جسمانیت زنانه

نخست در بحث درباره جسمانیت زنانه در تفکر فمینیستی می‌توان گفت که معمولاً در گفتمان غربی یهودی-مسیحی، بر اساس سنت کتاب مقدس، بیان می‌شود که حوا (زن) از دنده آدم (مرد) آفریده شده است (آفرینش ۲: ۲۱-۲۳) که این به زن نقش تبعی می‌دهد. اما توجه متفکران فمینیست به روایت دیگری از آفرینش در کتاب مقدس جلب می‌شود که زنان به طور برابر با مردان در آفرینش نمایان شده‌اند و خداوند صریحاً اعلام می‌کند که زن و مرد را شبیه خود آفریده است (آفرینش ۱: ۲۶-۲۷). با این حال، فمینیست‌ها نمی‌توانستند از ماجرای وسوسه شدن حوا توسط مار و سقوط تمامی بشریت به راحتی گذر کنند. این اشتباهی بود که عواقب وحشتناکی در پی داشت، یعنی جسمانی شدن بشر. جسمانیت در تقابل با عقلانیت قرار می‌گیرد و از دیدگاه سنتی، عقلانیت و معنویت به الوهیت نزدیک‌تر است تا جسمانیت که با زنانگی پیوند خورده است. بدین ترتیب، زنان و طبیعت جسمانی آنان در انتهای رتبه‌بندی قرابت با الوهیت قرار می‌گیرد (Isherwood and Stuart 1998, 15-17). این مسئله نقطه آغاز تلاش فمینیست‌ها برای بررسی چگونگی تلقی زن به عنوان یک وجود جسمانی قرار گرفت.

باید خاطر نشان کرد که این دوگانه‌گرایی منحصر به مسیحیت نیست. این نگرش از زمان باستان در گفتمان فلسفه غرب وجود داشته و تاریخ فلسفه سرشار از آن است، که به عنوان مثال‌هایی از آن می‌توان به دوگانه‌های مرد و زن، فرهنگ و طبیعت، عقل و عاطفه، ذهن و بدن، عمومی و خصوصی اشاره کرد. معمولاً در هر دوگانه‌ای نوعی رتبه‌بندی وجود دارد که در آن مفهوم رتبه بالاتر را به مردان و مفهوم رتبه پایین‌تر را به زنان نسبت می‌دهند

(گریمشا و فریکر ۱۳۹۸، ۱۹-۲۰). بدین گونه فلاسفه با قرار دادن زنان در رتبه فرعی در مقایسه با مردان، و نسبت دادن هر آنچه غیرعقلانی است به زنان، موجب شدند که زنان عموماً در هر حوزه از علوم نظری به حاشیه رانده شوند. فلاسفه فمینیست نیز از منظری دیگر با توجه ویژه‌ای نسبت به جسمانیت زنانه دست به تفسیر زدند. در وهله اول، ایشان به این مطلب که جسمانیت منحصر در زنان دانسته شود به شدت اعتراض کردند. همچنین، جسمانیت را بر دیدگاه‌های الهیاتی مؤثر دانستند که بر اساس آن زنان می‌توانند با تجارب مخصوص به جسمانیت خود به بیان نظریات زنانه‌نگر در حوزه دین بپردازند. در این باره، ایشروود دیدگاه جالبی را بیان کرده است:

می‌توان ادعا کرد که هم تاریخ و هم سرنوشت زنان بر روی بدن آنها نوشته شده است. بنابراین فمینیسم بدن را نه تنها مکان ظلم، بلکه [آغازگاه] شورش می‌داند. جنسیت، یکی از حیطه‌هایی است که ما با عملی قانونی جایگاه خود را در آن آموخته‌ایم و بنابراین می‌توانیم با عمل متفاوت خودمان اقدام به شورش کنیم. (Isherwood and Stuart, 1998, 22-23). بدین گونه، زنان نه تنها نباید برای عقلانی تلقی شدن به نفی جسمانیت بپردازند، بلکه با تکیه بر جنسیت خود الزامی است که جایگاهشان را در نهادهای اجتماعی، به ویژه دین، پیدا کنند.

برنر، الهی‌دان یهودی، در نوآوری آیینی برای زنان آسیب‌دیده از تجاوز مشارکت داشته است. این آیین که دارای پنج مرحله است، برای استقبال و حمایت از فرد آسیب‌دیده انجام می‌شود و نیز پیامی صریح است که چنین زنی مطرود نیست. در این آیین زن به درد و خشم و تنهایی خود اعتراف می‌کند. حاضران به او اطمینان می‌دهند که «خداوند به او عشق می‌ورزد» و زن خدا را برای نجات یافتن سپاس می‌گوید. در این مراحل حاضران ترانه‌هایی می‌خوانند که برگرفته از دعا‌های سنتی یهود مانند دعای حزن‌انگیز موسی (ع) برای شفای خواهرش میریام است (Gal Berner 2001, 45-47).

### ۳. تکثر فرهنگی

از ابتدای شکل‌گیری فمینیسم، خطر دیدگاه‌های جامع، این حیطه جدید را تهدید می‌کرد. از آنجا که این جنبش از طرف زنان سفیدپوست با پیشینه یهودی-مسیحی آغاز گشته بود، غالباً تجربیات این زنان مورد مطالعه قرار می‌گرفت و آن را به تمامی زنان با فرهنگ‌های مختلف تعمیم می‌دادند. با این حال، متفکران با توجه به این مشکل، در صدد رفع آن

برآمدند و بر تنوع هویتی تأکید کردند. با نظر به بررسی‌های انجام گرفته، دیگر الگویی واحد برای زنان عرضه نشد، بلکه تجربیات زنانه را از منظر نژادها، فرهنگ‌ها، گرایش‌های جنسی، سنین و توانایی‌های جسمی گوناگون مورد توجه قرار دادند (Pui-lan 2004, 30-31).

نخست باید دربارهٔ تعامل تجربیات زنانه در مقام عاملیت و موقعیت اجتماعی و فرهنگی که زنان در آن قرار دارند سخن گفت. زیرا همان گونه که انسان یکسره تخته‌بند زندگی خود نیست، می‌تواند با آگاهی نسبت به وقایع پیرامون خود واکنش نشان دهد. به باور مک‌کلر، زنان باید بدانند که در حال یک هم‌افزایی هستی‌شناختی هستند که در نتیجهٔ تعاملی پویا میان جسمانیت، روابط بین فردی و زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی رخ می‌دهد (McClure 2010, 201). بنابراین، نه تنها هر شخص به دلیل عاملیت دارای تجربهٔ شخصی خود است که می‌تواند بر محیط اطراف تأثیر بگذارد، بلکه تجربیات زنانه عمدتاً برآمده از موقعیت اجتماعی-فرهنگی ایشان است.

با توجه به اهمیت تجربیات زنانه در محیط اجتماعی-فرهنگی آنان، پژوهشگران می‌کوشند در کنار مطالعهٔ متون مقدس، نمونه‌های زنده نیز بررسی شوند. بنابراین، صدای زنان از هر قومی، با شرایط اجتماعی-فرهنگی متفاوت شنیده می‌شود و در تحلیل‌های فمینیستی مد نظر قرار می‌گیرد. در مورد مطالعهٔ فمینیسم دینی، می‌توان این نتیجه را گرفت که باید فضاهای متنوع‌تری را برای زنان در زمینهٔ توانمندسازی و قدرت داشتن در مقام‌های خاص پیدا کند (Kamitsuka 2007, 51). در این خصوص جنبش‌های زن‌گرا در این بازخوانی تأثیر فراوانی می‌نهد. برای مثال، در بازخوانی داستان صفوره (همسر موسی) بیان می‌شود که چرا میریام به عنوان یک زن سفیدپوست در مقابل صفورای رنگین‌پوست قرار گرفته و خداوند به نوعی با دفاع از صفوره و مبتلا ساختن میریام به جذام به واسطهٔ سفید کردن بیش از حد پوستش، زشتی رفتارش با یک رنگین‌پوست را نشان می‌دهد. این موضوع امکان بررسی جایگاه زنان رنگین‌پوست غیراسرائیلی را در کتاب مقدس فراهم می‌آورد و نژادپرستی را تقبیح می‌کند (Barton 2001, 68-72).

با این حال، مهم‌ترین موردی که بین تمامی این تجارب مشترک است سلطهٔ مردان و عمومیت دادن تجارب مردانه است. به باور تامس، الهی‌دان آمریکای لاتین، تمامی فرهنگ‌ها به اشکال و میزان مختلف قدرت مردان بر زنان را قانونی دانسته‌اند و این خود باعث شکل‌گیری نوعی خشونت مافوق علیه زیردستان شده است (Tamez 1996, 13).

#### ۴. زبان دینی

مطالعات تاریخی-انتقادی و تأملات هرمنوتیکی-کلامی نشان داده است که مکاشفه خداوند در کتاب مقدس به زبان بشر بیان شده و مفاهیم شرطی شده فرهنگی را به اشتراک می‌گذارد. تمام تفسیرهای متون به پیشفرض‌ها، مفاهیم فکری، سیاست یا تعصبات مفسر و مورخ بستگی دارد. بنابراین، متفکران فمینیست اظهار می‌کنند که برای مدتی طولانی سنت مسیحی توسط متکلمین ضبط و مورد مطالعه قرار گرفت که آگاهانه یا ناآگاهانه آنها را از منظر مردسالاری درک می‌کردند. بدین ترتیب، این دیدگاه فرهنگی مردم‌محور تمام نوشتارهای الهیات و تاریخ را تعیین کرده است. بنابراین اگر زنان می‌خواهند با ریشه‌ها و سنت خودشان ارتباط برقرار کنند، باید آنها را به گونه‌ای بازنویسی کنند که نه تنها روایات مردانه بلکه روایات زنانه از طریق نقطه‌نظری فمینیستی ضبط و تحلیل شود (Fiorenza 1975, 611).

یکی از نتایج چنین رهیافت مردم‌محوری استفاده از زبان مردانه است که به واسطه آن الگویی الهیاتی ارائه می‌شود که به دلیل شباهت مردان به خدا، طبیعتاً حق را به ایشان می‌دهد تا رهبری مقام‌های عالی دینی را بر عهده بگیرند. در این ادبیات، زنان صرفاً آفریده شده‌اند تا در نقشی فرعی تابع مردان باشند (Ruether 2004, 3). این موضوع دارای اهمیت فراوانی است، زیرا به دلیل تعامل الهیات و جامعه، زنان تحت تأثیر این نقش تبعی قرار می‌گیرند.

در راستای مقابله با این نگرش جنسیت‌زده حاصل از زبان، الهی‌دانان فمینیست الگوهای سنتی‌ای که زن را از فرآیند تفسیری کنار گذاشته‌اند، برمی‌چینند. ودود، الهی‌دان مسلمان، رویکردی هرمنوتیکی را برای خوانش متن مقدس ایجاد کرده که با اصلاح رویکرد پیشین، زبان از نظر محتوا و کاربرد جنسیت‌شمول شود. در این فرآیند زن عاملیت خود را که در فرآیند تفسیری از دست داده بازمی‌یابد. به باور ودود، هرمنوتیکی که شامل تجربیات و صدای زنان است عدالت جنسیتی بیشتری را به ارمغان می‌آورد و به تحقق آن در جامعه کمک می‌کند (Abugideiri 2001, 92-93).

#### ۵. نتیجه‌گیری

نظر به آنچه بیان شد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که سه ساحت جسمانیت، فرهنگ و زبان در پیوند تنگاتنگ با یکدیگر هستند، به نحوی که نمی‌توان هیچ کدام را جدای از دیگری مورد توجه قرار داد. الهی‌دانان فمینیست، با در نظر گرفتن تجارب جنسیتی مخصوص به

جسم خود، تکثر فرهنگی مؤثر بر تجارب زنانه و ساختار زبان دینی، دست به بازنگری الهیات زدند. بدین گونه، الهیات فمینیستی در مقام یکی از شاخه‌های الهیات عملی به کار گرفته شده و در بهبود جایگاه زنان در جامعه دینی نقش بسزایی ایفا می‌کند. در این راستا، پس از شناسایی زوایای مردسالارانه در سه ساحت مطرح شده و با به رسمیت شناختن تجارب خود، ایشان به ایجاد آیین‌های جدید دینی، پدیدآوردن فضا برای فرهنگ‌های گوناگون و تغییر در ساختار زبان مبادرت ورزیده‌اند و به این صورت الهیات را در ساحت عملی به کار بسته‌اند.

### کتاب‌نامه

گریمشا، جین، و میراندا فریکر. ۱۳۹۸. *فلسفه و فمینیسم: راهنمای فلسفه بلک‌ول*. قم: موسسه فرهنگی طه.

Abugideiri, Hibba. 2001. "Hagar: A Historical Model for "Gender Jihad." In *Daughters of Abraham: Feminist Thought in Judaism, Christianity, and Islam*, edited by Yvonne Yazbeck Haddad and John L. Esposito. Florida: University Press of Florida.

Barton, Mukti. 2001. "The Skin of Miriam Became as White as Snow: The Bible, Western Feminism and Colour Politics." *Feminist Theology* 9: 68-72.

Fiorenza, Elisabeth. 1975. "Feminist Theology as a Critical Theology of Liberation." *Theological Studies* 36: 605-626.

Gal Berner, Leila. 2001. "Hearing Hannah's Voice: The Jewish Feminist Challenge and Ritual Innovation." In *Daughters of Abraham: Feminist Thought in Judaism, Christianity, and Islam*, edited by Yvonne Yazbeck Haddad and John L. Esposito. Florida: University Press of Florida.

Isherwood, Lisa, and Elizabeth Stuart. 1998. *Introductions in Feminist Theology: Introducing Body Theology*. Sheffield: Sheffield Academic Press.

Kamitsuka, Margaret. 2007. *Feminist Theology and the Challenge of Difference*. Oxford: Oxford University Press.

- Pui-lan, Kwok. 2004. "Feminist Theology as Intercultural Discourse." In *The Cambridge Companion to Feminist Theology*, edited by Susan Frank Parsons. Cambridge University Press.
- Ruether, Rosemary. 2004. "The Emergence of Christian Feminist Theology." In *The Cambridge Companion to Feminist Theology*, edited by Susan Frank Parsons. Cambridge University Press.
- Tamez, Elsa. 1996. "Cultural Violence against Women in Latin America." In *Women Resisting Violence: Spirituality for Life*, edited by Mary John Manazan. New York: Orbis Press.

#### یادداشت‌ها

۱. Womanist، نامی که فعالان حقوق زنان با توجه به تجارب زیسته زنان در فرهنگ‌ها و نژادهای گوناگون برای خود برگزیده‌اند.